

بررسی قابلیت مقایسه حسابداری، کیفیت گزارش گری مالی و قیمت گذاری اقلام تعهدی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار

عبدالله ذبیح زاده^۱

جاوید عشقی^۲

امید مرزبند^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۷ تاریخ چاپ: ۱۴۰۲/۰۳/۰۴

چکیده

هدف کلی از انجام این پژوهش، بررسی روابط بین قابلیت مقایسه حسابداری، کیفیت گزارش گری مالی و قیمت گذاری اقلام تعهدی می باشد. با توجه به ادبیات موجود و پژوهش چن و وانگ (۲۰۱۹)، متغیرهای وابسته این پژوهش، کیفیت گزارشگری مالی و قیمت گذاری اقلام تعهدی بوده و متغیر مستقل این پژوهش، قابلیت مقایسه حسابداری می باشد و متغیرهای کنترلی هم شامل: ۱- چرخه عملیاتی، ۲- مالکیت نهادی، ۳- موسسه بزرگ حسابرسی، ۴- اندازه شرکت، ۵- نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری، ۶- بازده دارائی، ۷- اهرم، ۸- تغییرات فروش ونوسان پذیری فروش می باشند. جامعه آماری این پژوهش، شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۹۶ الی ۱۴۰۰ می باشد. برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار Eviews جهت آزمون های مربوطه و آمار توصیفی آزمون فرضیات استفاده می شود. در نهایت از روش رگرسیون چند متغیره با استفاده از داده های ترکیبی استفاده شده است. نتایج فرضیه اول پژوهش نشان داد که بین مقایسه پذیری حسابداری و کیفیت گزارش گری مالی رابطه معناداری وجود دارد. یافته های فرضیه دوم پژوهش حاکی از این موضوع است که بین مقایسه پذیری حسابداری و کارآیی قیمت گذاری اقلام تعهدی اختیاری رابطه معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی

قابلیت مقایسه حسابداری، کیفیت گزارش گری مالی و قیمت گذاری اقلام تعهدی

۱- استادیار، گروه آموزشی حسابداری، دانشگاه غیر انتفاعی شمال، آمل، ایران.

۲- دکترای مدیریت کسب و کار، مدیر مالی و اداری شرکت اقتصادی و خود کفایی آزادگان (گروه صنعتی مینو).

۲- مدیرعامل شرکت خدمات مالی و مدیریت معین آزادگان. (گروه صنعتی مینو).

۱- بیان مسئله

قانونگذاران براین باورند که مقایسه پذیری، سودمندی اطلاعات حسابداری را افزایش می‌دهد و استفاده‌کنندگان صورت مالی را قادر می‌سازد تا شباهت‌ها و تفاوت‌ها میان پدیده‌های اقتصادی را شناسایی کنند (هیئت استانداردهای حسابداری مالی^۱، ۲۰۱۰). با توجه به تحقیقات هیئت استانداردهای حسابداری مالی (۲۰۱۰) و دی فرانکو و همکاران^۲ (۲۰۱۱)، تحقیق کنونی به تعریف مقایسه‌پذیری به عنوان میزان معاملات و تراکنش‌های اقتصادی مشابه و معاملات اقتصادی متفاوت می‌پردازد؛ بنابراین در برخی وقایع اقتصادی، مقایسه‌پذیری به عنوان میزان سیستم‌های حسابداری مشابه شرکت‌ها و ارائه صورت‌های مالی مشابه تعریف می‌شود (دی فرانکو و همکاران، ۲۰۱۱). مقایسه‌پذیری بالاتر محیط اطلاعاتی شرکت‌ها را به طور قابل توجهی افزایش می‌دهد و کمیت کلی کیفیت اطلاعات در مورد شرکت و رقبا نیز افزایش می‌یابد. صورت‌های مالی با مقایسه‌پذیری بالاتر معیارهای مناسبی برای یکدیگر فراهم می‌آورند و پردازش و اخذ اطلاعات در آنها به راحتی صورت می‌گیرد. تحقیقات قبلی نشان می‌دهد که صورت‌های مالی شرکت‌های رقیب منبع مهم اطلاعات برای مدیران محسوب می‌شوند (مایگا و جاکوبس^۳، ۲۰۰۶؛ میشل و مولهرین^۴، ۱۹۹۶).

هیئت استانداردهای حسابداری مالی (۱۹۸۰) بیان می‌کند که «تصمیمات سرمایه‌گذاری و اخذ وام در صورت عدم دسترسی به اطلاعات مقایسه‌ای، به صورت معقولانه اتخاذ نمی‌گردند». همچنین کتب تحلیل صورت مالی بر اهمیت مقایسه‌پذیری در قضاوت در مورد عملکرد یک شرکت تاکید دارند (برای مثال، ریوساین، کالینز، جانسون و میتلستاedt^۵، ۲۰۱۱). پژوهش‌های انجام شده در مورد مقایسه‌پذیری حسابداری عمدتاً بر مزیت‌های آن برای استفاده‌کنندگان صورت مالی مانند تحلیلگران و سرمایه‌گذاران، تاکید می‌کنند (برای مثال، دی فرانکو، کوتاری و وردی^۶، ۲۰۱۱؛ کیم، کرافت و ریان^۷، ۲۰۱۳). مطالعات بسیار کمی، دلالت‌های مقایسه‌پذیری را برای مدیران که قسمتی مهم در فرآیند تولید و انتشار اطلاعات می‌باشند، بررسی کرده‌اند. همچنین دلالت‌های مرتبط با مقایسه‌پذیری برای استفاده‌کنندگان به طور کامل در تحقیقات مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. به منظور پر کردن این خلا تحقیقاتی، تحقیق کنونی به بررسی تاثیر مقایسه‌پذیری بر کیفیت گزارش‌گری مالی مدیران و میزان درک سرمایه‌گذاران نسبت به دلالت‌های مرتبط با ارقام تعهدی شرکت با در نظر گرفتن تاثیر مقایسه‌پذیری بر کیفیت گزارش‌گری مالی می‌پردازد.

¹ Financial Accounting Standards Board (FASB),

² De Franco et al.

³ Maiga & Jacobs

⁴ Mitchell & Mulherin

⁵ Revsine, Collins, Johnson, & Mittelstaedt

⁶ Franco, Kothari, & Verdi

⁷ Kim, Kraft, & Ryan

برخی تحقیقات جدید به بررسی پیامدهای مقایسه پذیری در میان کاربران صورت های مالی پرداخته اند. این تحقیقات به بررسی مزایای مقایسه پذیری شامل تحلیل گر پیرو^۱ (دی فرانکو و همکاران^۲، ۲۰۱۱)، کاهش ریسک اعتباری (کیم و همکاران^۳، ۲۰۱۳)، سطوح بالاتر فعالیت های M&A خارجی (فرانسیس، هوآنگ و خورانا^۴، ۲۰۱۵)، تحصیل کارایی^۵ بیشتر (چن و همکاران^۶، ۲۰۱۴) و محتوای اطلاعات قیمتی سهام^۷ بالاتر (چوی، چوی مایرز، زیبارت^۸، ۲۰۱۴) پرداخته اند. در کل، این تحقیقات نشان دادند که مقایسه پذیری بالاتر ارتباط نزدیکی با محیط غنی اطلاعاتی دارد؛ اما تحقیقات خیلی کمی به بررسی دلایل استفاده از معیار مقایسه پذیری برای مدیران به عنوان یک عضو مهم در ایجاد اطلاعات و فرایند توزیع اطلاعات پرداخته اند.

بارث و همکاران^۹ (۲۰۱۲) به این نتیجه رسیدند که به کارگیری اصول استانداردهای بین المللی گزارش گری مالی^{۱۰} توسط شرکت های غیر آمریکایی در میان ۲۰ کشور به افزایش مقایسه پذیری در میان شرکت های آمریکایی که از اصول پذیرفته شده همگانی حسابداری آمریکایی استفاده می کنند، منجر شده است. همچنین این تحقیقات نشان دادند که تفاوت هموارسازی سود، کیفیت اقلام تعهدی و به موقع بودن سود میان شرکت هایی که از استانداردهای بین المللی گزارش گری مالی استفاده می کنند و شرکت های آمریکایی به طور میانگین کاهش یافته است؛ بنابراین، علیرغم اینکه هدف تحقیقات بارث و همکاران (۲۰۱۲) دقیقاً دستیابی به این مسئله نبوده است، اما آنها به شواهد غیرمستقیمی در مورد رابطه میان مقایسه پذیری و کیفیت گزارش گری مالی دست یافته اند؛ اما تحقیقات آنها مستقیماً به آزمون ارتباط میان معیارهای کیفیت حسابداری و مقایسه پذیری نمی پردازد. این مسئله مهم است زیرا اخذ قوانین استانداردهای بین المللی گزارش گری مالی و تحقیقات ملی تأثیرات قابل توجه و متناقضی ارائه داده اند که کنترل این موارد نیز به راحتی صورت نمی گیرد (گوردون و همکاران^{۱۱}، ۲۰۱۳).

با توجه به مفاهیم مطرح شده، این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال می باشد که قابلیت مقایسه حسابداری چه تأثیری بر کیفیت گزارش گری مالی و قیمت گذاری اقلام تعهدی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد؟

¹ analyst following

² De Franco et al.

³ Kim et al.

⁴ Francis, Huang, & Khurana

⁵ efficient acquisitions

⁶ Chen et al.

⁷ stock price informativeness

⁸ Choi, Choi, Myers, & Ziebart

⁹ Barth et al.

¹⁰ IFRS

¹¹ Gordon et al.

۲- اهمیت و ضرورت پژوهش

مدیران می‌توانند از گزارشات مالی شرکت‌های مشابه خویش برای کسب اطلاعات در مورد انتخاب‌های استراتژیک شرکت‌های دیگر استفاده کرده و عدم قطعیت در مورد تقاضا و شرایط قیمتی و اهداف مرتبط با الگوبرداری را کاهش دهند (دورنوف و مانگین^۱، ۲۰۰۹؛ مایگا و جاکوبس^۲، ۲۰۰۶؛ میشل و مولهیرین^۳، ۱۹۹۶). این بدان معناست که مدیران می‌توانند اطلاعات جدید را از صورت‌های مالی رقبای خویش دریافت نموده، اطلاعات قبلی خویش را به روز نموده و اقدامات خویش را براساس آن تغییر دهند. تحقیقات قبلی نشان می‌دهند که مقایسه‌پذیری به کاهش هزینه تحصیل و پردازش اطلاعات منجر می‌شود و بدین صورت کمیت و کیفیت اطلاعات افزایش می‌یابد (چن و همکاران^۴، ۲۰۱۴؛ دی‌فرانکو و همکاران^۵، ۲۰۱۱؛ فرانسیس و همکاران^۶، ۲۰۱۵؛ کیم و همکاران^۷، ۲۰۱۳). این مسئله نشان می‌دهد که مقایسه‌پذیری مجموعه اطلاعات در دسترس مدیران را افزایش می‌دهد و ترکیب اطلاعات را ساده تر نموده و عدم قطعیت در اصول قضاوت را کاهش می‌دهد. در عوض، مدیران باید اطلاعات لازم را در مورد شرکت، صنایع مرتبط و رقبا و محیط کلی آن دریافت نمایند. بدین صورت مدیران موقعیت لازم برای ارزیابی عملکرد نسبی شرکت را کسب کرده و درک مناسبی از وقایع اقتصادی و تاثیر آنها بر شرکت خواهند داشت. ما انتظار داریم که مدیران با درک بالاتر و دانش بیشتر در مورد محیط شرکت بتوانند اقلام تعهدی با کیفیت بالاتری گزارش دهند (آیر، کمپریکس، گنلاک و لی^۸، ۲۰۰۵؛ دمرجیان و همکاران^۹، ۲۰۱۳). به خصوص اینکه، انتظار می‌رود که مقایسه‌پذیری این امکان را برای مدیران ایجاد کند که برآوردهای مطمئن بیشتری در آینده ارائه کرده و عملکرد شرکت در مورد اقلام تعهدی اختیاری را مورد بررسی قرار دهند. به طور خلاصه، ما انتظار داریم که اقلام تعهدی اختیاری که توسط مدیران به همراه اطلاعات برتر ارائه می‌شود از کیفیت بالاتری برخوردار باشند.

۳- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۳-۱- مقایسه پذیری و کیفیت گزارش دهی مالی

صورت‌های مالی نشان‌دهنده عملکرد وقایع اقتصادی بوده و وابسته به حسابداری شرکت و وقایع آن است. فرض کنیم که با مجموعه‌ای از حوادث اقتصادی روبرو هستیم، بدین صورت مقایسه‌پذیری به صورت میزان شباهت میان سیستم‌های

¹ Durnev & Mangen

² Maiga & Jacobs

³ Mitchell & Mulherin

⁴ Chen et al.

⁵ De Franco et al.

⁶ Francis et al.

⁷ Kim et al.

⁸ Aier, Comprix, Gunlock, & Lee

⁹ Demerjian et al.

حسابداری شرکت تعریف می‌شود (دی فرانکو و همکاران^۱، ۲۰۱۱)؛ به عبارت دیگر، مقایسه پذیری میزان لحاظ معاملات مشابه در دسته بندی موارد مشابه و دسته بندی معاملات متفاوت در یک دسته متفاوت است. طبق تحقیقات هیات استاندارد حسابداری مالی^۲ (۱۹۸۰)، مقایسه‌پذیری دلیل اصلی توسعه استانداردهای حسابداری است. استانداردهای حسابداری به هماهنگی انتخاب و کاربرد روش‌های حسابداری در شرکت‌های مشابه از نظر اقتصادی کمک کرده و تنوع‌پذیری در قوانین صنایع در حال کار را محدودتر می‌نماید تا میزان مقایسه‌پذیری افزایش یابد. در حالی که توسعه و به کارگیری اصول پذیرفته شده همگانی حسابداری^۳ برای هر شرکت خاص نوعی متغیر برونزا محسوب می‌شود، سیستم‌های حسابداری شرکت‌ها و میزان مقایسه‌پذیری آن‌ها و پیامدهای مرتبط با اخذ اصول پذیرفته شده همگانی حسابداری به طور گسترده‌ای توسط شباهت-های اقتصادی شرکت‌ها همچون مدل‌های کسب و کار، توابع تولید و عملیات تعیین می‌شوند.

به عنوان نمونه، دو شرکت در یک صنعت مشابه به دلیل شباهت‌های اقتصادی از مقایسه‌پذیری بالاتری برخوردار است، زیرا با به کارگیری قوانین اصول پذیرفته شده همگانی حسابداری و قوانین کار در صنایع، به حسابداری مشابهی در این شرکت‌ها دست می‌یابیم. سربواستوا^۴ (۲۰۱۴) در تحقیق خویش به این نتیجه رسید که تغییرات زمانی در معیارهای کیفیت حسابداری همچون ارتباط ارزش^۵، تطابق^۶ و نوسان‌پذیری سود^۷ بیشتر توسط اصول اقتصادی اولیه در مقابل تغییرات حسابداری تعیین می‌شوند و بدین صورت عوامل داخلی بر خصوصیات سود تاثیر گسترده‌ای خواهد داشت (فرانسیس، لافوند، اولسون و شپیپر^۸، ۲۰۰۵).

بنابراین، مقایسه‌پذیری بین شرکت‌ها کاملاً ثابت است به خصوص در دوره‌های کوتاه مدت. بدین معنا که مقایسه‌پذیری بیشتر یک شرط محیطی و خارجی محسوب می‌شود. شپیپر^۹ (۱۹۸۹) در تایید این فرضیه اذعان داشت که بیشتر تحقیقات بر این اساس استوارند که مجموعه گزارش‌گری مدیریت در کوتاه‌مدت بیشتر ثابت است. این فرضیه در معیار مقایسه‌پذیری تحقیقات دی فرانکو و همکاران (۲۰۱۱) به صورت تلویحی تشریح داده شده است به صورتی که این معیار به صورت داده-های فصلی سال‌های قبل در اندازه‌گیری مقایسه‌پذیری در سال کنونی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در حالی که همگی بر این

¹ De Franco et al.

² the Financial Accounting Standards Board (FASB)

³ Generally Accepted Accounting Principles (GAAP)

⁴ Srivastava

⁵ value relevance

⁶ matching

⁷ earnings volatility

⁸ Francis, Lafond, Olsson, & Schipper

⁹ chipper

باوریم که مقایسه‌پذیری نسبت به اختیار و قدرت مدیریت نوعی متغیر برونزا محسوب می‌شود اما به منظور بررسی درونزایی احتمالی تحلیل‌های تکمیلی بسیاری انجام شده است.

برخی تحقیقات جدید به بررسی پیامدهای مقایسه‌پذیری در میان کاربران صورت‌های مالی پرداخته‌اند. این تحقیقات به بررسی مزایای مقایسه‌پذیری شامل تحلیل‌گر پیرو^۱ (دی‌فرانکو و همکاران^۲، ۲۰۱۱)، کاهش ریسک اعتباری^۳ (کیم و همکاران^۴، ۲۰۱۳)، سطوح بالاتر فعالیت‌های M&A خارجی (فرانسیس، هوآنگ و خورانا^۵، ۲۰۱۵)، تحصیل کارایی^۶ بیشتر (چن و همکاران^۷، ۲۰۱۴) و محتوای اطلاعات قیمتی سهام^۸ بالاتر (چوی، چوی مایرز، زیبارت^۹، ۲۰۱۴) پرداخته‌اند. در کل، این تحقیقات نشان دادند که مقایسه‌پذیری بالاتر ارتباط نزدیکی با محیط غنی اطلاعاتی دارد؛ اما تحقیقات خیلی کمی به بررسی دلایل استفاده از معیار مقایسه‌پذیری برای مدیران به عنوان یک عضو مهم در ایجاد اطلاعات و فرایند توزیع اطلاعات پرداخته‌اند.

۳-۲- مقایسه‌پذیری و قیمت‌گذاری ارقام تعهدی

اسلون^{۱۰} (۱۹۹۶) در تحقیق خویش به این نتیجه رسید که سرمایه‌گذاران در مورد پایداری ارقام تعهدی خویش اغراق نموده و ارقام تعهدی در دوره کنونی را بالاتر قیمت‌گذاری می‌نمایند. ژی^{۱۱} (۲۰۰۱) در تحقیقات خویش میان ارقام تعهدی اختیاری و غیراختیاری تمایز قائل شد و به این نتیجه رسید که سرمایه‌گذاری اصولاً مولفه ارقام تعهدی اختیاری را به صورت مناسب قیمت‌گذاری نمی‌کنند، اما این مسئله در مورد مولفه غیراختیاری صادق نیست. این مسئله باعث می‌شود که کاربران به طور صحیح نوع ارقام تعهدی را تشخیص نداده یا تفاوت در پایداری میان مولفه‌های سود را به طور دقیق لحاظ نمایند؛ به عبارت دیگر، سرمایه‌گذاران ممکن است که در مورد ارزیابی صحیح کیفیت سود یا تنظیمات و تغییرات صحیح به مشکل برخوردند. همچنین ما انتظار داریم که سطوح بالاتر مقایسه‌پذیری به بهبود درک سرمایه‌گذاران نسبت به ارقام تعهدی منجر شده و قیمت‌گذاری بالاتر ارقام تعهدی اختیاری سیستماتیک را کاهش دهد. در پاراگراف بعدی، کانال‌هایی که از طریق آنها مقایسه‌پذیری بر قیمت‌گذاری ارقام تعهدی موثر است تشریح داده شده است.

¹ analyst following

² De Franco et al.

³ reduced credit risk

⁴ Kim et al.

⁵ Francis, Huang, & Khurana

⁶ efficient acquisitions

⁷ Chen et al.

⁸ stock price informativeness

⁹ Choi, Choi, Myers, & Ziebart

¹⁰ Sloan

¹¹ Xie

اول اینکه، در صورتی که میزان مقایسه‌پذیری بالاتر در نظر گرفته شود، سرمایه‌گذاران با کمیت و کیفیت بالاتر اطلاعات روبرو خواهند شد. به عنوان مثال، مدیریت و پیش‌بینی تحلیل‌گران اطلاعات با کیفیتی در اختیار سرمایه‌گذاران قرار می‌دهند تا بهتر اقلام تعهدی خویش را قیمت‌گذاری نمایند. دی فرانکو همکاران^۱ (۲۰۱۱) در تحقیقات خویش به این نتیجه رسید که سطوح بالاتر مقایسه‌پذیری ارتباط بیشتری با پوشش تحلیل‌گر، پیش‌بینی صحیح تحلیل‌گر و پراکندگی کمتر پیش‌بینی تحلیل‌گر دارد.

۳-۳- پیشینه پژوهش

بشیری منش و پاکدل (۱۳۹۸) پژوهشی را با عنوان "کیفیت گزارش‌گری مالی و بندهای تعدیلی حسابرسی" مورد بررسی قرار دادند. نمونه پژوهش نیز متشکل از ۶۴۵ مشاهده (سال - شرکت) در سالهای ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ می‌باشد. بمنظور اندازه‌گیری کیفیت گزارشگری مالی با استفاده از سه مدل کوتاری همکاران (۲۰۰۵)، کازنیک (۱۹۹۹) و مک نیکلز و استابن (۲۰۰۸) استفاده شده است و فرضیه پژوهش با استفاده از رگرسیون لاجیت آزمون گردیده است. یافته‌ها نشان داد، در هر سه مدل بین کیفیت گزارشگری مالی و تعدیلات حسابرسی رابطه منفی مشاهده شد. این نتیجه حاکی از آن است که کیفیت گزارشگری مالی نزد حساب‌رسان در تصمیم‌گیری برای تعدیلات حائز اهمیت بوده و با افزایش کیفیت گزارشگری مالی، میزان تعدیلات کاهش می‌یابد. این پژوهش با شناسایی تأثیر پذیری بندهای تعدیلی حسابرسان از کیفیت گزارشگری مالی کمک بسزایی به سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان در سنجش رفتارهای فرصت طلبانه مدیران می‌کند. همچنین با بکارگیری سه معیار مختلف در سنجش کیفیت گزارشگری مالی به غنای ادبیات موجود می‌افزاید.

انور خطیبی و همکاران (۱۳۹۸) پژوهشی را با عنوان "بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی از دیدگاه گروه‌های مختلف بر کیفیت گزارشگری مالی" مورد بررسی قرار دادند. هدف پژوهش حاضر تعیین تأثیر کیفیت حسابرسی بر کیفیت گزارشگری مالی از دیدگاه گروه‌های مختلف است. طبقه‌بندی گروه‌های مختلف بر اساس مطالعه مرکز کیفیت حسابرسی شامل پژوهشگران و اساتید دانشگاه، حسابداران رسمی، اعضای کمیته حسابرسی و مدیران مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران بوده است. همچنین عوامل کیفیت حسابرسی بر اساس مطالعه PCAOB[i] شامل ۱۰ شاخص تخصص حسابرسان در صنعت، شهرت حسابرسان، استقلال حسابرسان، تعداد کارها، درآمد سالیانه، امتیاز کنترل کیفیت، نسبت شرکا به کارکنان، نسبت حجم شرکا به کارکنان، تعداد حسابداران رسمی تحت استخدام و تعداد کارکنان حرفه‌ای، برای سنجش کیفیت حسابرسی انتخاب شدند. ابتدا از طریق پرسشنامه به کمک تکنیک تاپسیس میزان وزن و اهمیت هر یک از عوامل موثر بر کیفیت حسابرسی تعیین گردیده و ارتباط آن با کیفیت گزارشگری مالی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج در خصوص تأثیر گذاری هریک از عوامل مشاهده شده بیانگر تضاد در دیدگاه گروه‌های مختلف در خصوص مقوله کیفیت حسابرسی است. همچنین برای

¹ De Franco et al.

هر کدام از گروهها مدل جداگانه ای جهت تعیین میزان تاثیر عوامل مختلف بر کیفیت گزارشگری مالی برآزش گردید نتایج نشان داد که تفاوت معناداری بین گروههای مختلف در خصوص ارتباط بین شاخص های کیفیت حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی وجود دارد.

شکری دوغ آبادی و مرادی (۱۳۹۸) پژوهشی را با عنوان (بررسی رابطه بین قابلیت مقایسه حسابداری و مدیریت سود) مورد بررسی قرار دادند. در این پژوهش، قابلیت مقایسه صورتهای مالی با استفاده از مدل دی فرانکو (۲۰۱۱) در سطح هر صنعت به صورت جداگانه اندازه گیری شده است. پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از بعد روش شناسی از نوع همبستگی می باشد. جامعه آماری پژوهش شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران هستند که ۱۴۶ شرکت اطلاعات لازم را برای تجزیه و تحلیل دارا بودند. دوره زمانی پژوهش سال های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ می باشد. مدل آماری به کار گرفته شده مدل رگرسیون چند متغیره بوده و جهت آزمون فرضیه ها از داده های ترکیبی استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می دهد که بین قابلیت مقایسه حسابداری و مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و واقعی رابطه معناداری وجود ندارد.

رشیدی باغی (۱۳۹۸) پژوهشی را با عنوان (نقش کیفیت گزارشگری مالی در تغییر اعتماد به نفس بیش از اندازه مدیران و حق الزحمه حسابرسی) مورد بررسی قرار داده است. داده های مربوط به شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ استخراج و از مدل رگرسیونی داده های ترکیبی برای آزمون فرضیه های تحقیق استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان دهنده تأیید فرضیه های اول، دوم و سوم می باشد. به عبارتی، نتایج تحقیق حاکی از آن است که اعتماد به نفس بیش از اندازه و کیفیت گزارشگری مالی منجر به تغییر حق الزحمه حسابرسی می شود. همچنین، نتایج فرضیه سوم بیانگر این است که در هنگام تغییر سطح کیفیت گزارشگری مالی، اعتماد به نفس نیز تغییر یافته و بر حق الزحمه حسابرسی تاثیرگذار است به نحوی که با تغییر سطح اثر تعاملی کیفیت گزارشگری مالی و اعتماد به نفس مدیران، حق- الزحمه حسابرسی تحمیلی به شرکت نیز دچار نوسان و تغییر می شود.

ایمنی و همکاران (۱۳۹۸) پژوهشی را با عنوان رابطه دستکاری فعالیت های واقعی و مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی با استفاده از رویکرد سیستم معادلات بازگشتی مورد بررسی قرار دادند. آنها با استفاده از ۷۹ شرکت در بازه زمانی ۶ ساله ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۳ به این نتیجه رسیدند که بین مدیریت سود واقعی با مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی رابطه معکوس وجود دارد. بدین معنای که هرگاه مدیران میزان مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی افزایش (کاهش) دهند، دستکاری فعالیت های واقعی به طور غیرمنتظره ای کاهش (افزایش) خواهد یافت.

اسدی و همکاران (۱۳۹۷) پژوهشی را با عنوان بررسی پایداری سازه های اقلام تعهدی و رابطه آنها با بازده های آتی سهام در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار دادند. یافته های آنها از ۷۸ شرکت طی سال های ۱۳۸۳ الی ۱۳۹۲ نشان داد که جز نقدی سود از تمام سازه های تعهدی پایدارتر و اقلام تعهدی مربوط به رشد پایدارترین جزء

تعهدی می‌باشد. علاوه بر آن بررسی رابطه اجزای مذکور با بازده آتی سهام نشان داد که جریان نقد و اقلام تعهدی مربوط به رشد با این متغیر رابطه مثبت و اقلام تعهدی مربوط به نوسانات موقت و خطای برآورد با متغیر یاد شده رابطه منفی دارند.

آقایی و حسن‌زاده (۱۳۹۷) پژوهشی را با عنوان (مقایسه‌پذیری حسابداری و تاثیر آن بر کارایی سرمایه‌گذاری) مورد ارزیابی قرار دادند. با استفاده از تحلیل رگرسیونی، رابطه بین متغیرهای مزبور در ۱۶۶ شرکت پذیرفته شده در بورس تهران برای دوره ۱۳۸۷ الی ۱۳۹۴ مورد بررسی قرار گرفت. شواهد پژوهش نشان می‌دهد رابطه مثبت و معناداری بین مقایسه‌پذیری حسابداری و کارایی سرمایه‌گذاری وجود دارد. به عبارتی، مقایسه‌پذیری حسابداری، میزان دسترسی به اطلاعات باکیفیت حسابداری در مورد پروژه‌های سرمایه‌گذاری را افزایش داده و منجر به بهبود تصمیمات سرمایه‌گذاری می‌شود.

چن و گونگ^۱ (۲۰۱۹) طی پژوهشی با عنوان (قابلیت مقایسه حسابداری، کیفیت گزارش‌گری مالی و قیمت‌گذاری اقلام تعهدی) و با استفاده از اطلاعات مالی ۲۳۱۵۸ شرکت‌ها در سایت Compustat طی سال‌های ۱۹۸۸ الی ۲۰۱۷ به این نتیجه رسیدند که مقایسه‌پذیری به بهبود محیط اطلاعاتی کمک کرده و این امر نه تنها توانایی مدیران برای تخمین دقیق‌تر اقلام تعهدی و سیگنال دهی اطلاعات خصوصی‌شان را بهبود می‌بخشد، بلکه همچنین درک سرمایه‌گذاران از اقلام تعهدی را افزایش می‌دهد. با بهره‌گیری از تجدید ارائه صورت‌های مالی، نگاشت اقلام تعهدی به جریان‌های نقدی، پایداری سود و حق الزحمه‌های حسابداری به عنوان معیارهای کیفیت گزارش‌گری مالی، در می‌یابیم که مقایسه‌پذیری دوره قبلی با کیفیت گزارش‌گری مالی بالاتر ارتباط دارد. همچنین شواهد تحقیق نشان داد که مقایسه‌پذیری ارتباط مثبتی با دقت و صحت پیش‌بینی مدیریتی دارد که این با مقایسه‌پذیری که توانایی مدیران در پیش‌بینی عملکرد آتی شرکت را بهبود می‌بخشد، همخوانی دارد.

سوهن^۲ (۲۰۱۶) طی پژوهشی با عنوان (تاثیر قابلیت مقایسه حسابداری بر مدیریت سود اقلام تعهدی و مدیریت سود واقعی) به این نتیجه رسید که مقایسه‌پذیری توانایی مدیریت برای توسعه تخمین صحیح و ارائه عملکرد آتی شرکت را افزایش می‌دهد؛ اما این نتایج همچنین با این مطلب مبنی بر اینکه مقایسه‌پذیری به عنوان یک مانع در مدیریت سود عمل می‌کند؛ همخوانی دارد.

فرانسیس و همکاران^۳ (۲۰۱۵) طی پژوهشی با عنوان (نقش استانداردهای حسابداری مشابه در ادغام و تحصیل) نشان دادند که مقایسه‌پذیری به کاهش هزینه تحصیل و پردازش اطلاعات منجر می‌شود و بدین صورت کمیت و کیفیت اطلاعات افزایش می‌یابد.

¹ Chen and Gong

² Sohn

³ Francis et al.

پروتی و واگنهوفر^۱ (۲۰۱۴) طی پژوهشی با عنوان (معیارهای اندازه‌گیری کیفیت سود و بازده‌های اضافی) نشان دادند که کیفیت گزارشگری مالی بالاتر به کاهش خطای قیمت‌گذاری منجر می‌شود، اما قیمت‌گذاری^۲ کمتر از حد^۳ یا قیمت‌گذاری بیش از حد^۴ سیستماتیک را کاهش نمی‌دهد. همچنین آن‌ها در تحقیقات خویش به این نتیجه رسیدند که کیفیت سود بالاتر به کاهش خطای قیمت‌گذاری منجر می‌شود، اما قیمت‌گذاری بیش از حد یا کمتر سیستماتیک را کاهش نمی‌دهد.

سریواستوا^۵ (۲۰۱۴) طی پژوهشی با عنوان (چرا معیارهای اندازه‌گیری کیفیت گزارشگری مالی با گذشت زمان تغییر کرده است؟) در تحقیق خویش به این نتیجه رسید که تغییرات زمانی در معیارهای کیفیت حسابداری همچون ارتباط ارزش^۶، تطابق^۷ و نوسان‌پذیری سود^۸ بیشتر توسط اصول اقتصادی اولیه در مقابل تغییرات حسابداری تعیین می‌شوند و بدین صورت عوامل داخلی بر خصوصیات سود تاثیر گسترده‌ای خواهد داشت.

کیم و همکاران^۹ (۲۰۱۳) طی پژوهشی با عنوان (قابلیت مقایسه صورت وضعیت مالی و ریسک اعتباری) به این نتیجه رسیدند که مقایسه‌پذیری رابطه مثبتی با نقدشوندگی اوراق دارد و این نظریه را اثبات می‌کند که مقایسه‌پذیری به مشارکت کنندگان بازار کمک می‌نماید که به پردازش اطلاعات پرداخته و عدم تقارن اطلاعاتی را در بازار سرمایه کاهش دهند.

۴- فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول پژوهش: بین مقایسه‌پذیری حسابداری و کیفیت گزارش‌گری مالی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم پژوهش: بین مقایسه‌پذیری حسابداری و کارآیی قیمت‌گذاری اقلام تعهدی اختیاری رابطه معناداری وجود دارد.

۵- روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش بر اساس اهداف پژوهش در دسته تحقیقات کاربردی و از لحاظ ماهیت و روش از نوع توصیفی و همبستگی می‌باشد. گردآوری داده‌ها از دو روش کتابخانه‌ای و میدانی صورت گرفته است که بخش اول آن شامل ادبیات موضوع و تعریف و شناسایی مفهوم متغیرهای مستقل و وابسته و بحث و بررسی چگونگی تاثیر بین آنها با استفاده از نظریه‌های دانشمندان مالی صورت پذیرفته است. بخش دوم روش میدانی است که اطلاعات مورد نیاز از طریق داده‌های بورس اوراق بهادار تهران، نرم افزار ره آورد نوین^۳، کتب و مجلات تخصصی صورت پذیرفته است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار eviews جهت آزمون‌های مربوطه استفاده گردیده است. در این پژوهش به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها و

¹ Perotti and Wagenhofer

² pricing

³ underpricing

⁴ overpricing

⁵ Srivastava

⁶ value relevance

⁷ matching

⁸ earnings volatility

⁹ Kimet al.

استخراج نتایج پژوهش، از نرم افزارهای Excel، Eviews استفاده شده است. همچنین، سطح اطمینان مورد استفاده برای آزمون فرضیه‌ها و بررسی فروض کلاسیک رگرسیون ۹۵ درصد است. علاوه بر این، به منظور آزمون فرضیه‌ها، از روش داده‌های ترکیبی استفاده شده است. در داده‌های ترکیبی به منظور انتخاب بین داده‌های تابلویی و داده‌های تلفیقی از آزمون F لیمر استفاده می‌شود. برای برآورد پارامترهای مدل‌های رگرسیون، آزمون فروض کلاسیک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از جمله مهمترین این فروض، فرض‌های مربوط به بررسی نرمال بودن باقیمانده‌های مدل، عدم خود همبستگی، عدم هم خطی و عدم ناهمسانی واریانس بین باقیمانده‌های مدل است. برای بررسی نرمال بودن باقیمانده‌ها از آزمون جاک-برا استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۹۳ الی ۱۳۹۷ می‌باشد. وجود برخی ناهمگنی‌ها در بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، موجب گردید تا برخی شرایط ویژه برای انتخاب شرکت‌های مورد آزمون در نظر گرفته شود که به شرح ذیل می‌باشد:

- ۱- شرکت‌های نمونه انتخابی باید قبل از سال ۱۳۹۳ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
 - ۲- شرکتها در فاصله زمانی پژوهش تغییر دوره مالی نداده و سال مالی آنها منتهی به ۲۹ اسفند باشد.
 - ۳- جزء شرکت‌های سرمایه گذاری و واسطه گری مالی، بانک و بیمه نباشند.
 - ۴- اطلاعات مالی شرکت برای دوره مورد مطالعه در دسترس باشد.
 - ۵- نماد معاملاتی شرکت فعال و سهام آنها حداقل یکبار در سال معامله شده باشد.
 - ۶- معاملات سهام آنها طی دوره ی پژوهش بیش از سه ماه در بورس اوراق بهادارتهران متوقف نشده باشد.
- ***روش نمونه گیری در این پژوهش، از نوع حذف سیستماتیک می‌باشد.

جدول ۱- انتخاب حجم نمونه آماری با روش حذف سیستماتیک

تعداد شرکتها	نام شرایط
۵۷۵	کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس در تاریخ ۱۳۹۷/۱۲/۲۹
(۷۵)	شرکت‌هایی که بعد از انتهای سال ۱۳۹۳ در بورس پذیرفته شده اند.
(۶۱)	شرکت‌هایی که بعد از سال ۹۳ و قبل از سال ۹۷ از بورس خارج و وارد فرابورس شده اند.
(۲۲)	شرکت‌هایی که در بازه زمانی پژوهش، اطلاعات آنها در دسترس نباشد.
(۶۸)	شرکت‌هایی که ماهیت سرمایه گذاری و واسطه گری مالی (هلدینگ، لیزینگ و بانک‌ها) داشته باشند.

نام شرایط	تعداد شرکتها
شرکتهایی که در فاصله زمانی پژوهش تغییر دوره مالی داده و سال مالی آنها منتهی به ۲۹ اسفند نباشد.	(۱۵۲)
نماد معاملاتی شرکت غیر فعال و سهام آنها حداقل یکبار در سال معامله نشده باشد.	(۲۲)
معاملات سهام آن ها طی دوره ی پژوهش بیش از سه ماه در بورس اوراق بهادار تهران متوقف شده باشد.	(۴۵)
کل حجم نمونه آماری قابل آزمون با در نظر گرفتن پیش فرض ها	۱۳۰

۶- متغیرهای پژوهش و چگونگی اندازه گیری آنها

۶-۱- متغیرهای وابسته

۶-۱-۱- متغیر وابسته (کیفیت گزارش گری مالی)

برای اندازه گیری کیفیت گزارشگری مالی، از مدل دیچو و دجو (۲۰۰۲) که مبتنی بر جریانهای نقدی گذشته، حال و آینده استفاده می نماییم. برای برآورد این مدل با توجه به نوع طرح تحقیق و دوره زمانی مورد بررسی (سه سال قبل سال تجدید ارائه و سه سال بعد از سال تجدید ارائه) و با استفاده از داده های ترکیبی؛ مدل زیر برای دوره بعدتجدید ارائه و دوره قبل تجدید ارائه برآورد می شود:

$$ACC_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 CFO_{it-1} + \alpha_2 CFO_{it} + \alpha_3 CFO_{it+1} + \epsilon_{it} \quad (1)$$

که در آن CFO جریان وجوه نقد عملیاتی و Acc میزان اقلام تعهدی است. اقلام تعهدی از کسر نمودن جریان وجوه نقد عملیاتی از سود خالص حاصل می شود. جریان وجوه نقد عملیاتی با توجه به استانداردهای حسابداری ایران و تعدیل بخش فعالیت عملیاتی با دو بخش پرداخت مالیات بر درآمد و بازده سرمایه گذاری ها و سود و بهره پرداختی بابت تامین مالی و اضافه نمودن سود سهام پرداختی محاسبه شده است. کلیه متغیرهای مذکور با استفاده از ارزش دفتری دارایی های ابتدای دوره همگن می شوند. پس از برآورد مدل (۱) برای سودهای بعد از تجدید ارائه و قبل از تجدید ارائه، انحراف معیار باقیمانده مدل (۱) به ترتیب به عنوان کیفیت اقلام تعهدی بعد از دوره تجدید ارائه (AQ-post) و کیفیت اقلام تعهدی قبل تجدید ارائه (AQ-pre) در نظر گرفته می شود.

۶-۱-۲- متغیر وابسته (کارایی قیمت گذاری اقلام تعهدی)

معیار قیمت گذاری اقلام تعهدی شامل قدر مطلق باقیمانده برآوردی حاصل از مدل تعمین یافته دیچو-دجوف در تحقیقات نیکولاس^۱ (۲۰۰۲) است. دیچو و دیچو (۲۰۰۲) بر این باورند که اقلام تعهدی با کیفیت باید به صورت جریان نقدی تحقق

¹ McNichols

یابند، زیرا اقلام تعهدی منتظر جمع آوری وجه نقد آتی و پرداخت هستند. می‌توان گفت که مقایسه‌پذیری به بهبود دانش مدیران در مورد محیط کمک کرده و توانایی آنها را برای افزایش برآورد اقلام تعهدی که نشان دهنده شرایط اقتصادی هستند، افزایش می‌دهد. براساس تحقیقات نیکولاس (۲۰۰۲) می‌توان گفت که مدل ذیل را می‌توان به صورت مقطع عرضی برای هر سال-شرکت در نظر گرفت (که به صورت طبقه بندی ۴۸ صنعت فاما-فرنچ^۱ تعریف می‌شود):

$$ACC_{it} = \beta_0 + \beta_1 CFO_{it-1} + \beta_2 CFO_{it} + \beta_3 CFO_{it+1} + \beta_4 \Delta REV_{it} + \beta_5 PPE_{it} + \varepsilon_{it}$$

همه متغیرها به میانگین مجموع دارایی تقسیم می‌شوند. متغیر ACC به صورت سود قبل از اقلام فوق‌العاده منهای جریان نقدی عملیاتی، CFO جریان نقدی عملیاتی که از صورت جریان وجوه نقد اقتباس شده و بر اساس تحقیقات هریبار و کالینز^۲ (۲۰۰۲) در نظر گرفته می‌شود. متغیر ΔREV به صورت تغییرات فروش از سال قبل تعریف می‌شود. PPE مقدار ناخالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات^۳ است. NA یعنی اقلام تعهدی اختیاری شامل مقادیر برازش شده و DA شامل باقیمانده خطای برآوردی مدل در معادله (۵) است. باقیمانده رگرسیون نشان دهنده میزان نگاشت اقلام کنونی به جریان نقدی گذشته، کنونی و آتی است و قدر مطلق کوچکتر نشان دهنده نگاشت بهتر است. به نظر می‌رسد که محدودیت مدل‌های اقلام تعهدی توانایی مدل‌ها برای تقسیم‌بندی اقلام تعهدی به مولفه اختیاری و عادی تعریف شود (جونز، کریشان و میلندریز^۴، ۲۰۰۸؛ مک‌نیکولز^۵، ۲۰۰۰).

۶-۲- متغیر مستقل (قابلیت مقایسه حسابداری)

براساس تحقیقات قبلی (سوهن^۶، ۲۰۱۶) از روش دی‌فرانکو و همکاران^۷ (۲۰۱۱) برای اندازه‌گیری مقایسه‌پذیری حسابداری استفاده کردیم. می‌توان مدل زیر را برای هر کدام از مشاهدات سال-شرکت با استفاده از ۱۶ داده فصلی قبلی استفاده نمود:

$$Earnings_{it} = \alpha_i + \beta_i Return_{it} + \varepsilon_{it}$$

به صورتی که $Earnings_{it}$ سود خالص قبل از اقلام غیر مترقبه شرکت i در سال t تقسیم بر ارزش بازار حقوق صاحبان سهام بوده و $Return_{it}$ نشان‌دهنده بازده سهام شرکت i در سال t است. پارامترهای برآوردی α و β جایگزین سیستم حسابداری شرکت i عمل می‌کنند. بدین صورت، فرآیند یکسانی برای همه شرکت‌های j تکرار می‌شود. با استفاده از پارامترهای برآوردی می‌توان سود شرکت‌های i و j را با فرض بازده i شرکت به صورت ذیل محاسبه نمود:

$$E(Earnings)_{iit} = \hat{\alpha}_i + \hat{\beta}_i Return_{it}$$

$$E(Earnings)_{ijt} = \hat{\alpha}_i + \hat{\beta}_i Return_{it}$$

¹ Fama-French

² Hribar and Collins

³ property, plant, and equipment

⁴ Jones, Krishnan, & Melendrez

⁵ McNichols

⁶ Sohn

⁷ De Franco et al.

مقایسه پذیری حسابداری به صورت مقدار (ارزش) منفی تفاوت قدر مطلق میان سود پیش‌بینی شده برای شرکت i و j تعریف می‌شود:

$$AcctComp_{ijt} = -\frac{1}{16} * \sum_{t-15}^t |E(Earnings_{iit}) - E(Earnings_{ijt})|$$

مقایسه پذیری برای جفت شرکت i و j در داخل طبقه‌بندی مشابه صنایع SIC دورقمی محاسبه می‌شود. مقادیر بالاتر ACCT COMP نشان دهنده مقایسه پذیری حسابداری بالاتر میان جفت شرکت است. به منظور ایجاد معیار سال-شرکت مقایسه پذیری، یعنی $M4_ACCTCOMP$ می‌توان میانگین $ACCTCOMP_{ijt}$ چهار شرکت را با مقایسه پذیری بالاتر برای شرکت i در طول دوره t محاسبه نمود. طبق تحقیقات دی‌فرانکو و همکاران (۲۰۱۱)، توزیع متغیر $M4_ACCTCOMP$ دارای چولگی متمایل به چپ با داده‌های پرت بزرگتر منفی است. به منظور بررسی چولگی در این معیار، از تبدیل رتبه دهک معیار سال-شرکت مقایسه پذیری و متغیر $ACCT COMP$ در تحلیل‌های تجربی استفاده کردیم. همچنین متغیر $ACCTCOMP$ به منظور سهولت در تفسیر در بازه $[0,1]$ در نظر گرفته شد.

۶-۳- متغیرهای کنترلی

در این پژوهش و مطابق با ادبیات پژوهش چن و وانگ (۲۰۱۹) متغیرهای کنترلی شامل موارد ذیل می‌باشند:

۱- چرخه عملیاتی (OPCYCLE): از طریق لگاریتم مجموع تعداد روزهای حساب‌های دریافتی و روزهای موجودی کالا محاسبه می‌شود.

۲- مالکیت نهادی (INSTIT): از طریق درصد سهام متعلق به نهادهای دولتی، بانک‌ها و بیمه‌ها و هلدینگ‌های دولتی اندازه‌گیری می‌شود.

۳- شرکت‌های بزرگ حسابرسی (BIG 21): این متغیر در صورتی که مؤسسه حسابرسی مشهور باشد یک و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته می‌شود. برای اینکه مؤسسه حسابرسی مشهور از حسابرس غیر مشهور تفکیک شود از تعداد شرکت‌های تحت حسابرسی آنها استفاده شده در واقع از روش حجم کار بورسی آنها طبقه بندی می‌شوند و در صورتی که مؤسسه حسابرسی جزو مؤسسه برتر از نظر حجم کار باشد به عنوان حسابرس مشهور و در غیر این صورت به عنوان حسابرس غیر مشهور در نظر گرفته می‌شود (نیکومرام و همکاران، ۱۳۹۲). طبقه بندی مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار در اسفند ماه ۱۳۹۳ توسط سازمان بورس اعلام شد. در طبقه بندی به عمل آمده ۲۱ مؤسسه در طبقه اول قرار گرفتند. در سال ۱۳۹۴ تعداد ۲۷ مؤسسه حسابرسی دارای درآمد و حائز رتبه بالایی شده‌اند. در سال ۱۳۹۵ تعداد ۲۵ مؤسسه حسابرسی در طبقه اول قرار گرفتند. در سال ۱۳۹۶ تعداد ۲۸ مؤسسه حسابرسی دارای رتبه اول شدند و در سال ۱۳۹۷ تعداد ۶۰ مؤسسه حسابرسی دارای نمره ۱۰۰ یا رتبه برتر شدند.

۴-اندازه شرکت (SIZE): از طریق لگاریتم طبیعی دارایی کل شرکت اندازه‌گیری می‌شود.

$$SIZE = \ln (ASSETS)$$

$$ASSETS = \text{دارایی}$$

۵-نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری (MTB): از طریق نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام اندازه‌گیری می‌شود.

$$MTB = ME/BE$$

$$ME = \text{ارزش بازار حقوق صاحبان سهام}$$

$$BE = \text{ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام}$$

۶-بازده دارایی (ROA): از طریق نسبت سود قبل از بهره و مالیات به دارایی اندازه‌گیری می‌شود.

$$ROA = EBIT / ASSETS$$

$$EBIT = \text{سود قبل از بهره و مالیات}$$

$$ASSETS = \text{دارایی}$$

۷-اهرم (LEV): از طریق نسبت کل بدهی به دارایی کل شرکت اندازه‌گیری می‌شود.

$$LEV = DEBT / ASSETS$$

$$DEBT = \text{بدهی}$$

$$ASSETS = \text{دارایی}$$

۸-تغییرات فروش (ΔREV): تغییرات فروش سال قبلی و فروش سال جاری تقسیم بر فروش سال قبلی

$$\text{SalesGrowth} = \frac{\text{the change of sales from the previous year to current year}}{\text{the total sales of the previous year}}$$

$$\text{the total sales of the current year} = \text{فروش سال جاری}$$

$$\text{the total sales of the previous year} = \text{فروش سال قبلی}$$

۹-نوسان‌پذیری فروش (SALEVOL): از طریق انحراف استاندارد فروش شرکت اندازه‌گیری می‌شود.

۷-اندازه‌گیری مدل پژوهش

در این پژوهش با بهره‌گیری از پژوهش چن و وانگ (۲۰۱۹) از مدل رگرسیون چند متغیره و چند گانه بصورت ذیل استفاده می‌شود:

مدل فرضیه اول:

$$i,t = \beta_0 + \beta_1 ACCTCOMPD_{i,t} + \beta_2 OPCYCLE_{i,t} + \beta_3 INSTITI_{i,t} + \beta_4 BIG\ 21_{i,t} + \beta_5 SIZE_{i,t} + \beta_6 MTB_{i,t} + \beta_7 ROA_{i,t} + \beta_8 LEV_{i,t} + \beta_9 \Delta REV_{i,t} + \beta_{10} SALEVOL_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل فرضیه دوم:

$$i,t = \beta_0 + \beta_1 ACCTCOMPDi,t + \beta_2 OPCYCLe_{i,t} + \beta_3 INSTITI_{i,t} + \beta_4 BIG\ 21_{i,t} + \beta_5 SIZE\ |DA|_{i,t} + \beta_6 MTB_{i,t} + \beta_7 ROA_{i,t} + \beta_8 LEV_{i,t} + \beta_9 \Delta REV_{i,t} + \beta_{10} SALEVOL_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن:

$ACCTCOMPDi,t$ = قابلیت مقایسه حسابداری شرکت i در سال t (مقایسه پذیری حسابداری به صورت مقدار (ارزش) منفی تفاوت قدر مطلق میان سود پیش‌بینی شده برای شرکت i و j تعریف می‌شود).

$RESTATE_{i,t}$ = کیفیت گزارش‌گری مالی (باقیمانده خطای مدب رگرسیون دچو و دچوف (۲۰۰۲)).

$|DA|_{i,t}$ = قیمت‌گذاری اقلام تعهدی شرکت i در سال t (باقیمانده خطای مدل رگرسیون مدل نیکولاس (۲۰۰۲)).

$OPCYCLE_{i,t}$ = چرخه عملیاتی شرکت i در سال t (لگاریتم مجموع تعداد روزهای حساب‌های دریافتنی و روزهای موجودی کالا)

$INSTITI_{i,t}$ = مالکیت نهادی شرکت i در سال t (از طریق درصد سهام متعلق به نهادهای دولتی، بانک‌ها و بیمه‌ها و هلدینگ‌های دولتی اندازه‌گیری می‌شود).

$BIG\ 21_{i,t}$ = شرکت‌های بزرگ حسابرسی شرکت i در سال t این متغیر در صورتی که مؤسسه حسابرسی مشهور باشد یک و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته می‌شود. برای اینکه مؤسسه حسابرسی مشهور از حسابرس غیر مشهور تفکیک شود از تعداد شرکتهای تحت حسابرسی آنها استفاده شده در واقع از روش حجم کار بورسی آنها طبقه بندی می‌شوند و در صورتی که مؤسسه حسابرسی جزو ۲۱ مؤسسه برتر از نظر حجم کار باشد به عنوان حسابرس مشهور و در غیر این صورت به عنوان حسابرس غیر مشهور در نظر گرفته می‌شود.

$SIZE_{i,t}$ = اندازه شرکت i در سال t (از طریق لگاریتم طبیعی دارایی کل شرکت اندازه‌گیری می‌شود).

$MTB_{i,t}$ = نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری شرکت i در سال t (نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام)

$ROA_{i,t}$ = بازده دارایی شرکت i در سال t (از طریق نسبت سود قبل از بهره و مالیات به دارایی اندازه‌گیری می‌شود).

$LEV_{i,t}$ = اهرم شرکت i در سال t (از طریق نسبت کل بدهی به دارایی کل شرکت اندازه‌گیری می‌شود).

$\Delta REV_{i,t}$ = تغییرات فروش شرکت i در سال t (تغییرات فروش سال قبل و فروش سال جاری تقسیم بر فروش سال قبل).

$SALEVOL_{i,t}$ = نوسان‌پذیری فروش شرکت i در سال t (از طریق انحراف استاندارد فروش شرکت اندازه‌گیری می‌شود).

β_1 الی β_{10} = ضرائب رگرسیون

β_0 = عدد ثابت (عرض از مبدا)

$\varepsilon_{i,t}$ = خطای مدل شرکت i در سال t

i = شرکت

t = سال

۸- یافته‌های پژوهش

۸-۱- نتایج آمار توصیفی

جدول (۲) آمار توصیفی مطالعه را نشان می‌دهند. براساس اطلاعات جدول، شاخص‌های مرکزی از جمله میانگین و میانه و شاخص‌های پراکندگی از جمله انحراف معیار، کشیدگی و چولگی برای متغیرهای مختلف محاسبه شده است. بزرگ بودن میانگین از میانه وجود نقاط بزرگ را در داده‌ها نشان می‌دهد زیرا میانگین تحت تاثیر این مقادیر قرار می‌گیرد. همه متغیرها کشیدگی مثبت دارند یعنی نسبت به نمودار نرمال پهن تر و توزیع از توزیع نرمال کشیده تر و بلندتر هستند. متغیر اندازه شرکت دارای انحراف معیار ۹/۵۵ می‌باشد که نسبت پراکندگی بیش از حد داده‌ها را نشان می‌دهد. حداکثر داده متغیر کیفیت گزارش‌گری مالی برابر ۰/۵۱ و حداقل آن برابر ۰/۰۰۰۴ بوده که پراکندگی بیش از حد داده‌های متغیر کیفیت گزارش‌گری مالی در بورس اوراق بهادار تهران را نشان می‌دهد. متغیر قابلیت مقایسه حسابداری، چولگی برابر ۱/۲ را دارد، یعنی چولگی به سمت راست دارد یا به عبارتی اکثر داده‌ها از میانگین کمترند و کشیدگی آن برابر ۱/۹ می‌باشد که نشان دهنده این موضوع می‌باشد که توزیع داده از توزیع نرمال بیشتر است.

جدول ۲- نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نماد	تعداد مشاهدات	بزرگترین	میانه	انحراف معیار	حداکثر	حداقل	چولگی	کشیدگی
کیفیت گزارش‌گری مالی	ACC	۶۵۰	۰/۰۰۱۲	۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۰۸	۰/۱۵۶	۰/۰۰۰۱	۰/۳۵	۰/۸۲
قیمت‌گذاری اقلام تعهدی	DA	۶۵۰	۰/۰۰۰۵	۰/۰۰۰۱۴	۰/۰۰۳۲	۰/۷۳	۰/۰۰۰۰۳	۰/۸۸	۱/۲۱
قابلیت مقایسه حسابداری	ACCCOMP	۶۵۰	۰/۰۱۷	۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۸۷	۰/۱۶	-۰/۰۳	۱/۲	۱/۱۹
چرخه عملیاتی	OPCYCLE	۶۵۰	۱/۹۹	۲/۰۰۴	۰/۰۶	۲/۱۵	۱/۸۳	۰/۱۰۵	-۰/۳۸

مالکیت نهادی	INSTITI	۶۵۰	۰,۱۱	۰,۰۸	۰,۰۹	۰,۶۵	۰,۰۳	۱,۶۴	۳,۱۴
موسسه بزرگ حسابرسی	BIG 21	۶۵۰	۰,۱۷۵	۰	۰,۳۷	۱	۰	۱,۷۷	۱,۲۲
اندازه شرکت	SIZE	۶۵۰	۱۴,۱۲	۱۳,۲۱	۱,۶۹	۱۹,۳	۹,۴۱	۰,۷	۰,۶۴
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	MTB	۶۵۰	۱,۲	۱,۰۹	۰,۳۴	۳,۶۳	۱,۰۰۳	۳,۷	۴,۸
بازده دارایی	ROA	۶۵۰	۰,۱۵	۰,۱۰۹	۰,۲۷	۰,۳۷	-۰,۱۹	۰,۲۱	۰,۵۳
اهرم	LEV	۶۵۰	۰,۲۲	۰,۱۶	۰,۰۸	۰,۳۱	۰,۰۸	۰,۳۴	۰,۳۹
تغییرات فروش	Δ REV	۶۵۰	۱,۰۰۵	۰,۲۱	۰,۱۳	۱,۴۳	-۰,۲۱	۱,۱۸	۲,۲۹
نوسان پذیری فروش	SALEVOL	۶۵۰	۲,۱۲	۲,۰۲	۰,۲۹	۳,۱۹	۱,۴۴	۱,۲۵	۲,۱۴

۸-۲- نتایج آزمون F لیمر

در بخش داده های ترکیبی ابتدا باید مشخص شود که تفاوت فردی یا به اصطلاح ناهمگنی در مقاطع وجود دارد یا اینکه مقطع ها با هم همگن هستند؟ و برای این تخمین می بایست داده های آماری را روی هم انباشته کرد و به روش OLS معمولی (پولینگ دیتا) برآورد را انجام داد یا روش پانل دیتا مناسب است؟ با استفاده از F لیمر می توان وجود ناهمگنی را در بین مقاطع مشخص کرد. فرضیه صفر آماره F مبتنی بر همگن بودن مقاطع (پولینگ بودن داده های آماری) است. چنانچه فرضیه صفر رد شود، فرضیه مقابل آن مبتنی بر وجود ناهمگنی بین مقاطع (پانل بودن داده های آماری) پذیرفته می شود. نتایج آزمون F در جدول زیر انعکاس یافته است.

جدول ۳- نتایج آزمون F لیمر برای مدل های پژوهش

نام مدل	آماره	Statistics	Prob
اول	Cross-section F	۱/۳۵	۰/۰۰۰
اول	Cross-section Chi square	۳۶/۱۶	۰/۰۰۰
دوم	Cross-section F	۳/۳۲	۰/۰۰۰
دوم	Cross-section Chi square	۲۴/۱۱	۰/۰۰۰

منبع: خروجی نرم افزار

نتایج جدول بیانگر رد شدن فرضیه صفر و وجود ناهمگنی مقاطع در سطح ۵٪ می باشد و در واقع بیانگر مناسب بودن روش پانل دیتا برای برآورد مدل می باشد.

۸-۳- نتایج آزمون هاسمن

بعد از این که مشخص شد ناهمگنی در مقاطع وجود دارد و تفاوت های فردی قابل لحاظ کردن است و روش داده های ترکیبی برای برآورد مدل پژوهش مناسب است، باید مشخص شود که خطای تخمین، ناشی از تغییر در مقاطع است یا این که در طی زمان رخ داده است. در نحوه در نظر گرفتن چنین خطاهایی با دو اثر ثابت و اثر تصادفی استفاده می شود. در آزمون هاسمن، فرضیه صفر آن مبتنی بر تصادفی بودن خطاهای برآوردی است که نتایج آن در جدول زیر انعکاس یافته است.

جدول ۴- نتایج آزمون هاسمن

نام مدل	آماره	Prob
اول	Chi-Sq.Statistic	۱/۳۵
اول	Prob	۰/۱۸
دوم	Chi-Sq.Statistic	۱/۲۱
دوم	Prob	۰/۱۶

منبع: خروجی نرم افزار

نتایج آزمون هاسمن برای مدل پژوهش بیانگر آن است که در این مورد فرضیه صفر رد نشده و اثر تصادفی برای برآورد مدل مناسب است.

۸-۴- تفسیر یافته از فرضیه های پژوهش

۸-۴-۱- نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

فرضیه اول پژوهش: بین مقایسه پذیری حسابداری و کیفیت گزارش گری مالی رابطه معناداری وجود دارد.

H_0 = بین مقایسه پذیری حسابداری و کیفیت گزارش گری مالی رابطه معناداری وجود ندارد.

H_1 = بین مقایسه پذیری حسابداری و کیفیت گزارش گری مالی رابطه معناداری وجود دارد.

در جدول (۵)، با توجه به سطح معناداری متغیر مقایسه پذیری حسابداری که برابر $prob = 0.000$ بوده و کمتر از 0.05 می باشد، لذا H_0 رد شده و H_1 که بیانگر رابطه مثبت و معنادار مقایسه پذیری حسابداری با کیفیت گزارش گری مالی، تأیید می شود. به عبارتی دیگر، بین مقایسه پذیری حسابداری و کیفیت گزارش گری مالی رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی به ازای یک واحد افزایش در مقایسه پذیری حسابداری، کیفیت گزارش گری مالی 0.14 واحد افزایش پیدا می کند.

از بین متغیرهای کنترلی، متغیر چرخه عملیاتی دارای سطح معناداری $prob = 0.0022$ بوده که رابطه منفی و معناداری با کیفیت گزارش گری مالی دارد. متغیر مالکیت نهادی دارای سطح معناداری $prob = 0.0024$ بوده که رابطه منفی و معناداری با کیفیت گزارش گری مالی دارد. متغیر موسسه بزرگ حسابرسی دارای سطح معناداری $prob = 0.000$ بوده که

رابطه منفی و معناداری با کیفیت گزارش‌گری مالی دارد. متغیر اندازه شرکت دارای سطح معناداری $\text{prob} = 0.000$ بوده که رابطه مثبت و معناداری با کیفیت گزارش‌گری مالی دارد. متغیر نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری دارای سطح معناداری $\text{prob} = 0.35$ بوده که رابطه مثبت و معناداری با کیفیت گزارش‌گری مالی دارد. متغیر بازده دارایی دارای سطح معناداری $\text{prob} = 0.000$ بوده که رابطه مثبت و معناداری با کیفیت گزارش‌گری مالی دارد. متغیر اهرم دارای سطح معناداری $\text{prob} = 0.000$ بوده که رابطه مثبت و معناداری با کیفیت گزارش‌گری مالی دارد. متغیر تغییرات فروش دارای سطح معناداری $\text{prob} = 0.8$ بوده که رابطه منفی و معناداری با کیفیت گزارش‌گری مالی دارد. متغیر نوسان‌پذیری فروش دارای سطح معناداری $\text{prob} = 0.0031$ بوده که رابطه مثبت و معناداری با کیفیت گزارش‌گری مالی دارد.

جدول ۵- نتایج مدل رگرسیون و آزمون فرضیه اول پژوهش

$\text{RESTATE}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{ACCTCOMP}_{i,t} + \beta_2 \text{OPCYCLE}_{i,t} + \beta_3 \text{INSTITI}_{i,t} + \beta_4 \text{BIG 21}_{i,t} + \beta_5 \text{SIZE}_{i,t} + \beta_6 \text{MTB}_{i,t} + \beta_7 \text{ROA}_{i,t} + \beta_8 \text{LEV}_{i,t} + \beta_9 \Delta \text{REV}_{i,t} + \beta_{10} \text{SALEVOL}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$					
نام متغیر	نماد	ضریب	انحراف معیار	آماره t	Prob
مقدار ثابت	C	۰,۰۰۳	۰,۰۰۲	۱,۶۲	۰,۱۰۴۳
قابلیت مقایسه حسابداری	ACCCOMP	۰,۰۱۴	۰,۰۰۳	۴,۱۸	۰,۰۰۰
چرخه عملیاتی	OPCYCLE	-۰,۰۰۳	۰,۰۰۱	-۳,۰۸	۰,۰۰۲۲
مالکیت نهادی	INSTITI	-۰,۰۰۰۸	۰,۰۰۰۲	-۳,۰۵	۰,۰۰۲۴
موسسه بزرگ حسابرسی	BIG 21	-۰,۰۰۰۲	۰,۰۰۰۰۴	-۵,۷۹	۰,۰۰۰۰
اندازه شرکت	SIZE	۰,۰۰۰۲	۰,۰۰۰۰۵	۴,۹	۰,۰۰۰۰
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	MTB	۰,۰۰۰۰۷	۰,۰۰۰۰۸	۰,۹۳	۰,۳۵
بازده دارایی	ROA	۰,۰۰۵	۰,۰۰۰۲	۱۹,۷	۰,۰۰۰۰
اهرم	LEV	۰,۰۰۱	۰,۰۰۰۱	۰,۶۳	۰,۰۰۰۰
تغییرات فروش	ΔREV	۰,۰۰۰۰۱۷	۰,۰۰۰۰۰۶۹	۰,۲۵	۰,۸
نوسان‌پذیری فروش	SALEVOL	۰,۰۰۰۰۷	۰,۰۰۰۰۲	۲,۹۷	۰,۰۰۳۱
کل مدل رگرسیون	آماره F	p-value	آماره دوربین - واتسون (D-W)	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
	۱۰/۷۷	۰/۰۰۰	۲/۲	۰/۷۴	۰/۶۷

منبع: یافته‌های محقق

برای آزمون متغیرهای تحقیق از جدول بالا استفاده شده است. استفاده از تحلیل رگرسیونی منوط به محقق شدن مفروضاتی است که بدین منظور از کمک آزمون دوربین واتسون و آزمون هم خطی استفاده می شود؛ البته لازم به یادآوری است که نرمال بودن توزیع متغیر وابسته و خطاها نیز به عنوان دیگر مفروضات کلاسیک رگرسیون بررسی و تایید شده است. نتایج مربوط به این الگو در جدول نمایش داده شده است. براین اساس آماره دوربین واتسون در بازه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد (در مدل بالا برابر ۲/۲ می باشد) که نشان می دهد خطاها نسبت به یکدیگر دارای استقلال هستند؛ بنابراین مشکل همخطی جدی در استفاده از رگرسیون وجود نخواهد داشت و در مجموع استفاده از تحلیل رگرسیون بلامانع است. در جدول بالا ضریب تعیین و تعدیل شده برای بیان قدرت مدل تحقیق ارائه شده است R^2 و R^2 - تعدیل شده به ترتیب عبارتند؛ ۰/۷۴ و ۰/۶۷. همانطوری که ملاحظه می گردد فاصله بین R^2 و R^2 تعدیل شده، ۰/۰۷ می باشد. این مقدار نشان می دهد که خارج نمودن برخی متغیرهای کنترلی از مدل تاثیر چندانی بر قدرت توضیح دهنده مدل نخواهد گذاشت. یعنی ۶۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر مستقل، قابل توضیح است. همچنین سطح معناداری آماره F برابر $\text{Prob}(F\text{-statistic})=0.000$ می باشد که نشان دهنده این موضوع می باشد که مدل معنادار می باشد.

۸-۴-۲- نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش

فرضیه دوم پژوهش: بین مقایسه پذیری حسابداری و کارآیی قیمت گذاری اقلام تعهدی اختیاری رابطه معناداری وجود دارد.

H_0 = بین مقایسه پذیری حسابداری و کارآیی قیمت گذاری اقلام تعهدی اختیاری رابطه معناداری وجود ندارد.

H_1 = بین مقایسه پذیری حسابداری و کارآیی قیمت گذاری اقلام تعهدی اختیاری رابطه معناداری وجود دارد.

در جدول ۶، با توجه به سطح معناداری متغیر مقایسه پذیری حسابداری که برابر $\text{prob}=0.0022$ بوده و کمتر از ۰/۰۵ می باشد، لذا H_0 رد شده و H_1 که بیانگر رابطه مثبت و معنادار مقایسه پذیری حسابداری با کارآیی قیمت گذاری اقلام تعهدی اختیاری، تایید می شود. به عبارتی دیگر، بین مقایسه پذیری حسابداری و کارآیی قیمت گذاری اقلام تعهدی اختیاری رابطه معناداری وجود دارد. یعنی به ازای یک واحد افزایش در مقایسه پذیری حسابداری، کارآیی قیمت گذاری اقلام تعهدی اختیاری ۰/۰۰۰۹ واحد افزایش پیدا می کند.

از بین متغیرهای کنترلی، متغیر چرخه عملیاتی دارای سطح معناداری $\text{prob}=0.000$ بوده که رابطه منفی و معناداری با کارآیی قیمت گذاری اقلام تعهدی اختیاری دارد. متغیر مالکیت نهادی دارای سطح معناداری $\text{prob}=0.6828$ بوده که رابطه معناداری با کارآیی قیمت گذاری اقلام تعهدی اختیاری ندارد. متغیر موسسه بزرگ حسابرسی دارای سطح معناداری $\text{prob}=0.04$ بوده که رابطه مثبت و معناداری با کارآیی قیمت گذاری اقلام تعهدی اختیاری دارد. متغیر اندازه شرکت دارای سطح معناداری $\text{prob}=0.000$ بوده که رابطه مثبت و معناداری با کارآیی قیمت گذاری اقلام تعهدی اختیاری دارد. متغیر نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری دارای سطح معناداری $\text{prob}=0.61$ بوده که رابطه معناداری با کارآیی قیمت-

گذاری اقلام تعهدی اختیاری ندارد. متغیر بازده دارایی دارای سطح معناداری $\text{prob} = 0.56$ بوده که رابطه معناداری با کارآیی قیمت گذاری اقلام تعهدی اختیاری ندارد. متغیر اهرم دارای سطح معناداری $\text{prob} = 0.0011$ بوده که رابطه منفی و معناداری با کارآیی قیمت گذاری اقلام تعهدی اختیاری دارد. متغیر تغییرات فروش دارای سطح معناداری $\text{prob} = 0.0068$ بوده که رابطه مثبت و معناداری با کارآیی قیمت گذاری اقلام تعهدی اختیاری دارد. متغیر نوسان پذیری فروش دارای سطح معناداری $\text{prob} = 0.2330$ بوده که رابطه معناداری با کارآیی قیمت گذاری اقلام تعهدی اختیاری ندارد.

جدول ۶- نتایج مدل رگرسیون و آزمون فرضیه دوم پژوهش

$ DA _{i,t} = \beta_0 + \beta_1 ACCTCOMP_{i,t} + \beta_2 OPCYCLE_{i,t} + \beta_3 INSTITI_{i,t} + \beta_4 BIG\ 21_{i,t} + \beta_5 SIZE_{i,t} + \beta_6 MTB_{i,t} + \beta_7 ROA_{i,t} + \beta_8 LEV_{i,t} + \beta_9 \Delta REV_{i,t} + \beta_{10} SALEVOL_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$					
نام متغیر	نماد	ضریب	انحراف معیار	آماره t	Prob
مقدار ثابت	C	۰,۰۱۴	۰,۰۰۳	۴,۱۸	۰,۰۰۰
قابلیت مقایسه حسابداری	ACCCOMP	۰,۰۰۰۹	۰,۰۰۰۲	۳,۰۷	۰,۰۰۲۲
چرخه عملیاتی	OPCYCLE	-۰,۰۰۹	۰,۰۰۱	-۴,۹۴	۰,۰۰۰
مالکیت نهادی	INSTITI	۰,۰۰۰۳	۰,۰۰۰۰۹	۰,۴۰۸	۰,۶۸۲۸
موسسه بزرگ حسابرسی	BIG 21	۰,۰۰۰۴	۰,۰۰۰۲	۱,۹۹	۰,۰۴
اندازه شرکت	SIZE	۰,۰۰۰۴	۰,۰۰۰۰۷	۵,۸۱	۰,۰۰۰۰
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	MTB	-۰,۰۰۰۱	۰,۰۰۰۳	-۰,۴۹	۰,۶۱
بازده دارایی	ROA	۰,۰۰۰۲	۰,۰۰۰۴	۰,۵۸	۰,۵۶
اهرم	LEV	-۰,۰۰۱	۰,۰۰۰۴	-۳,۲۷	۰,۰۰۱۱
تغییرات فروش	ΔREV	۰,۰۰۰۰۳	۰,۰۰۰۰۱۱	۲,۷۱	۰,۰۰۶۸
نوسان پذیری فروش	SALEVOL	-۰,۰۰۱	۰,۰۰۰۸	۱,۱۹	۰,۲۳۳۰
کل مدل رگرسیون	آماره F	p-value	آماره دوربین - واتسون (D-) (W)	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
	۶,۴۸	۰/۰۰۰	۲,۲۷	۰,۰۹	۰,۰۶

منبع: یافته‌های محقق

برای آزمون متغیرهای تحقیق از جدول بالا استفاده شده است. استفاده از تحلیل رگرسیونی منوط به محقق شدن مفروضاتی است که بدین منظور از کمک آزمون دوربین واتسون و آزمون هم خطی استفاده می شود؛ البته لازم به یادآوری است که نرمال بودن توزیع متغیر وابسته و خطاها نیز به عنوان دیگر مفروضات کلاسیک رگرسیون بررسی و تایید شده است. نتایج

مربوط به این الگو در جدول نمایش داده شده است. براین اساس آماره دوربین واتسون در بازه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد (در مدل بالا برابر ۲/۲۷ می‌باشد) که نشان می‌دهد خطاها نسبت به یکدیگر دارای استقلال هستند. بنابراین مشکل همخطی جدی در استفاده از رگرسیون وجود نخواهد داشت و در مجموع استفاده از تحلیل رگرسیون بلامانع است. در جدول بالا ضریب تعیین و تعدیل شده برای بیان قدرت مدل تحقیق ارائه شده است R^2 و R^2 -تعدیل شده به ترتیب عبارتند؛ ۰/۰۹ و ۰/۰۷. همانطوری که ملاحظه می‌گردد فاصله بین R^2 و R^2 تعدیل شده، ۰/۰۲ می‌باشد. این مقدار نشان می‌دهد که خارج نمودن برخی متغیرهای کنترلی از مدل تاثیر چندانی بر قدرت توضیح دهنده مدل نخواهد گذاشت. یعنی ۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر مستقل، قابل توضیح است. همچنین سطح معناداری آماره F برابر $\text{Prob}(F\text{-statistic})=0.000$ می‌باشد که نشان دهنده این موضوع می‌باشد که مدل معنادار می‌باشد.

۹- نتیجه‌گیری و بحث و مقایسه

۹-۱- نتیجه‌گیری و بحث و مقایسه فرضیه اول پژوهش

نتایج فرضیه اول پژوهش نشان داد که بین مقایسه‌پذیری حسابداری و کیفیت گزارش‌گری مالی رابطه معناداری وجود دارد. صورت‌های مالی نشان‌دهنده عملکرد وقایع اقتصادی بوده و وابسته به حسابداری شرکت و وقایع آن است. فرض کنیم که با مجموعه‌ای از حوادث اقتصادی روبرو هستیم، بدین صورت مقایسه‌پذیری به صورت میزان شباهت میان سیستم‌های حسابداری شرکت تعریف می‌شود. به عبارت دیگر، مقایسه‌پذیری میزان لحاظ معاملات مشابه در دسته بندی موارد مشابه و دسته بندی معاملات متفاوت در یک دسته متفاوت است. طبق تحقیقات هیات استاندارد حسابداری مالی^۱ (۱۹۸۰)، مقایسه-پذیری دلیل اصلی توسعه استانداردهای حسابداری است. استانداردهای حسابداری به هماهنگی انتخاب و کاربرد روش‌های حسابداری در شرکت‌های مشابه از نظر اقتصادی کمک کرده و تنوع‌پذیری در قوانین صنایع در حال کار را محدودتر می‌نماید تا میزان مقایسه‌پذیری افزایش یابد. در حالی که توسعه و به کارگیری اصول پذیرفته شده همگانی حسابداری برای هر شرکت خاص نوعی متغیر برونزا محسوب می‌شود، سیستم‌های حسابداری شرکت‌ها و میزان مقایسه‌پذیری آن‌ها و پیامدهای مرتبط با اخذ اصول پذیرفته شده همگانی حسابداری به طور گسترده‌ای توسط شباهت‌های اقتصادی شرکت‌ها همچون مدل-های کسب و کار، توابع تولید و عملیات تعیین می‌شوند.

به عنوان نمونه، دو شرکت در یک صنعت مشابه به دلیل شباهت‌های اقتصادی از مقایسه‌پذیری بالاتری برخوردار است، زیرا با به کارگیری قوانین اصول پذیرفته شده همگانی حسابداری و قوانین کار در صنایع، به حسابداری مشابهی در این شرکت‌ها دست می‌یابیم. محققین در تحقیق خویش به این نتیجه رسید که تغییرات زمانی در معیارهای کیفیت حسابداری همچون ارتباط ارز، تطابق و نوسان‌پذیری سود بیشتر توسط اصول اقتصادی اولیه در مقابل تغییرات حسابداری تعیین می‌شوند و بدین

¹ the Financial Accounting Standards Board (FASB)

صورت عوامل داخلی بر خصوصیات سود تاثیر گسترده‌ای خواهد داشت. بنابراین، مقایسه‌پذیری بین شرکت‌ها کاملاً ثابت است به خصوص در دوره‌های کوتاه مدت. بدین معنا که مقایسه‌پذیری بیشتر یک شرط محیطی و خارجی محسوب می‌شود. شپیر^۱ (۱۹۸۹) در تایید این فرضیه اذعان داشت که بیشتر تحقیقات بر این اساس استوارند که مجموعه گزارش‌گری مدیریت در کوتاه‌مدت بیشتر ثابت است. این فرضیه در معیار مقایسه‌پذیری تحقیقات دی فرانکو و همکاران (۲۰۱۱) به صورت تلویحی تشریح داده شده است به صورتی که این معیار به صورت داده‌های فصلی سال‌های قبل در اندازه‌گیری مقایسه‌پذیری در سال کنونی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در حالی که همگی بر این باوریم که مقایسه‌پذیری نسبت به اختیار و قدرت مدیریت نوعی متغیر برونزا محسوب می‌شود اما به منظور بررسی درونزایی احتمالی تحلیل‌های تکمیلی بسیاری انجام شده است. بارث و همکاران^۲ (۲۰۱۲) به این نتیجه رسیدند که به کارگیری اصول استانداردهای بین‌المللی گزارش‌گری مالی^۳ توسط شرکت‌های غیرآمریکایی در میان ۲۰ کشور به افزایش مقایسه‌پذیری در میان شرکت‌های آمریکایی که از اصول پذیرفته شده همگانی حسابداری آمریکایی استفاده می‌کنند، منجر شده است. همچنین این تحقیقات نشان دادند که تفاوت هموارسازی سود، کیفیت اقلام تعهدی و به موقع بودن سود میان شرکت‌هایی که از استانداردهای بین‌المللی گزارش‌گری مالی استفاده می‌کنند و شرکت‌های آمریکایی به طور میانگین کاهش یافته است. بنابراین، علیرغم اینکه هدف تحقیقات بارث و همکاران (۲۰۱۲) دقیقاً دستیابی به این مسئله نبوده است، اما آنها به شواهد غیرمستقیمی در مورد رابطه میان مقایسه‌پذیری و کیفیت گزارش‌گری مالی دست یافته‌اند. اما تحقیقات آنها مستقیماً به آزمون ارتباط میان معیارهای کیفیت حسابداری و مقایسه‌پذیری نمی‌پردازد. این مسئله مهم است زیرا اخذ قوانین استانداردهای بین‌المللی گزارش‌گری مالی و تحقیقات ملی تأثیرات قابل توجه و متناقضی ارائه داده‌اند که کنترل این موارد نیز به راحتی صورت نمی‌گیرد (گوردون و همکاران^۴، ۲۰۱۳). مدیران می‌توانند از گزارشات مالی شرکت‌های مشابه خویش برای کسب اطلاعات در مورد انتخاب‌های استراتژیک شرکت‌های دیگر استفاده کرده و عدم قطعیت در مورد تقاضا و شرایط قیمتی و اهداف مرتبط با الگوبرداری را کاهش دهند. این بدان معناست که مدیران می‌توانند اطلاعات جدید را از صورت‌های مالی رقبای خویش دریافت نموده، اطلاعات قبلی خویش را به روز نموده و اقدامات خویش را براساس آن تغییر دهند. تحقیقات قبلی نشان می‌دهند که مقایسه‌پذیری به کاهش هزینه تحصیل و پردازش اطلاعات منجر می‌شود و بدین صورت کمیت و کیفیت اطلاعات افزایش می‌یابد. این مسئله نشان می‌دهد که مقایسه‌پذیری مجموعه اطلاعات در دسترس مدیران را افزایش می‌دهد و ترکیب اطلاعات را ساده تر نموده و عدم قطعیت در اصول قضاوت را کاهش می‌دهد.

¹ chipper

² Barth et al.

³ IFRS

⁴ Gordon et al.

۹-۲- نتیجه‌گیری و بحث و مقایسه فرضیه دوم پژوهش

یافته‌های فرضیه دوم پژوهش حاکی از این موضوع است که بین مقایسه‌پذیری حسابداری و کارآیی قیمت‌گذاری اقلام تعهدی اختیاری رابطه معناداری وجود دارد.

اسلون^۱ (۱۹۹۶) در تحقیق خویش به این نتیجه رسید که سرمایه‌گذاران در مورد پایداری اقلام تعهدی خویش اغراق نموده و اقلام تعهدی در دوره کنونی را بالاتر قیمت‌گذاری می‌نمایند. ژی^۲ (۲۰۰۱) در تحقیقات خویش میان اقلام تعهدی اختیاری و غیراختیاری تمایز قائل شد و به این نتیجه رسید که سرمایه‌گذاری اصولاً مولفه اقلام تعهدی اختیاری را به صورت مناسب قیمت‌گذاری نمی‌کنند، اما این مسئله در مورد مولفه غیراختیاری صادق نیست. این مسئله باعث می‌شود که کاربران به طور صحیح نوع اقلام تعهدی را تشخیص نداده یا تفاوت در پایداری میان مولفه‌های سود را به طور دقیق لحاظ ننمایند. به عبارت دیگر، سرمایه‌گذاران ممکن است که در مورد ارزیابی صحیح کیفیت سود یا تنظیمات و تغییرات صحیح به مشکل برخوردند. همچنین ما انتظار داریم که سطوح بالاتر مقایسه‌پذیری به بهبود درک سرمایه‌گذاران نسبت به اقلام تعهدی منجر شده و قیمت‌گذاری بالاتر اقلام تعهدی اختیاری سیستماتیک را کاهش دهد. در پاراگراف بعدی، کانال‌هایی که از طریق آنها مقایسه‌پذیری بر قیمت‌گذاری اقلام تعهدی موثر است تشریح داده شده است. اول اینکه، در صورتی که میزان مقایسه‌پذیری بالاتر در نظر گرفته شود، سرمایه‌گذاران با کمیت و کیفیت بالاتر اطلاعات روبرو خواهند شد. به عنوان مثال، مدیریت و پیش‌بینی تحلیل‌گران اطلاعات با کیفیتی در اختیار سرمایه‌گذاران قرار می‌دهند تا بهتر اقلام تعهدی خویش را قیمت‌گذاری نمایند. دی فرانکو همکاران^۳ (۲۰۱۱) در تحقیقات خویش به این نتیجه رسید که سطوح بالاتر مقایسه‌پذیری ارتباط بیشتری با پوشش تحلیل‌گر، پیش‌بینی صحیح تحلیل‌گر و پراکندگی کمتر پیش‌بینی تحلیل‌گر دارد. همانطور که گفتیم، مقایسه‌پذیری به مدیران کمک می‌کند که انتظارات صحیح خویش در مورد عملکرد آتی شرکت را توسعه دهند. بنابراین تا حدی که پیش‌بینی سود توسط مدیران صورت می‌گیرد، سطح بالاتر مقایسه‌پذیری به بهبود صحت و دقت این اطلاعات کمک می‌کند. این مجموعه اطلاعات با کیفیت و گسترده باید به سرمایه‌گذاران این امکان را بدهد که عملکرد شرکت را بهتر درک کنند. دوم اینکه، ما انتظار داریم که مقایسه‌پذیری توانایی سرمایه‌گذاران را برای پردازش اطلاعات حسابداری بهبود بخشد. اطلاعات با مقایسه‌پذیری بالاتر معیارهای بهتری را ارائه می‌کنند که استفاده‌کنندگان را قادر می‌سازد دست به نتایج بهتری در مورد شباهت‌ها و تفاوت‌های میان شرکت‌ها دست یابند. این مسئله باعث می‌شود که کاربرد درک بهتر و پیش‌بینی مناسبی نسبت به وقایع اقتصادی و نحوه تبدیل معاملات شرکت به عملکرد حسابداری داشته باشند. تحقیقات مختلفی نشان دادند که مقایسه‌پذیری حسابداری مزایای بسیاری را برای مشارکت‌کنندگان بازار به همراه دارد. همانطور که گفتیم، دی فرانکو و

¹ Sloan

² Xie

³ De Franco et al.

همکاران (۲۰۱۱) بر این باورند که مقایسه‌پذیری به تحلیل‌گر کمک می‌نماید که اطلاعات حسابداری را تفسیر نموده و بدین صورت پوشش تحلیل‌گر و صحت پیش‌بینی افزایش یافته و پراکندگی نیز کاهش می‌یابد. کیم و همکاران^۱ (۲۰۱۳) به این نتیجه رسیدند که مقایسه‌پذیری رابطه مثبتی با نقدشوندگی اوراق دارد و این نظریه را اثبات می‌کند که مقایسه‌پذیری به مشارکت‌کنندگان بازار کمک می‌نماید که به پردازش اطلاعات پرداخته و عدم تقارن اطلاعاتی را در بازار سرمایه کاهش دهند. به طور خلاصه می‌توان گفت، مقایسه‌پذیری نه تنها برای مدیران مفید است بلکه استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی همچون سرمایه‌گذاران در بورس نیز از مزایای آن بهره‌مند خواهند بود.

۱۰- پیشنهادات مبتنی بر نتایج پژوهش

۱۰-۱- پیشنهادات مبتنی بر نتایج فرضیه اول پژوهش:

با توجه به نتایج آزمون فرضیه اول، به مدیران شرکت‌های بورسی پیشنهاد می‌گردد که اطلاعات لازم را در مورد شرکت، صنایع مرتبط و رقبا و محیط کلی پیرامون خود دریافت نمایند. بدین صورت مدیران موقعیت لازم برای ارزیابی عملکرد نسبی شرکت را کسب کرده و درک مناسبی از وقایع اقتصادی و تاثیر آنها بر شرکت خواهند داشت. به عبارتی مدیران با درک بالاتر و دانش بیشتر در مورد محیط شرکت بتوانند اقدام تعهدی با کیفیت بالاتری گزارش دهند.

۱۰-۲- پیشنهادات مبتنی بر نتایج فرضیه دوم پژوهش:

با توجه به نتایج آزمون فرضیه دوم، به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌گردد که از سیستم مقایسه‌پذیری خود در گزارشگری مالی و حسابداری استفاده کنند. مقایسه‌پذیری درک سرمایه‌گذار نسبت به اقدام تعهدی را افزایش داده و در عین حال قیمت-گذاری بیشتر اقدام تعهدی را کاهش داده و به کارایی بیشتر قیمتی‌گذاری منجر می‌شود.

۱۱- پیشنهادات برای تحقیقات آتی

۱. به محققان و پژوهشگران پیشنهاد می‌شود که برای پژوهش‌های آتی دوره زمانی تحقیق را طولانی‌تر در نظر بگیرند.
 ۲. تحقیق فوق برای شرکت‌های غیر تولیدی نیز انجام و نتایج آن با یافته‌های این تحقیق مقایسه شود.
 ۳. پیشنهاد می‌گردد که محققین برای تحقیقات آتی از تمامی صناعت‌ها و به تفکیک هر صنعت، این موضوع پژوهش را انجام دهند.
 ۴. در این تحقیق شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی شدند، بنابر این، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده این موضوع در شرکت‌های فرا بورس نیز بررسی گردد و با نتایج این تحقیق بررسی شود.
 ۵. پیشنهاد می‌گردد موضوعات زیر در پژوهش‌های آتی توسط محققین بررسی گردد:
- ۵-۱- بررسی تاثیر مقایسه‌پذیری حسابداری بر نگهداشت وجه نقد

¹ Kimet al.

۵-۲- بررسی تاثیر مقایسه پذیری حسابداری بر لحن گزارشگری مالی

۵-۳- بررسی تاثیر مقایسه پذیری حسابداری بر کارایی سرمایه گذاری

۱۲- محدودیت‌های پژوهش

۱. از آنجا که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی از موضوعات جدید حوزه حسابداری می‌باشد، لذا پژوهش‌های مشابه داخلی آن بسیار کم بوده که در مبانی نظری و پیشینه پژوهش، محقق با محدودیت‌هایی مواجه شده است.
۲. از آنجایی که پایگاه داده جامعی برای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران وجود ندارد، لذا تمامی داده-های پژوهش به آسانی قابل دسترس نبوده‌اند و از پراکندگی زیادی برخوردار بودند.

منابع

- اسدی، غلامحسین؛ زندیه، مصطفی و غلامی حسن کیاده، فرید. (۱۳۹۷). بررسی پایداری سازه‌های اقلام تعهدی و رابطه آن-ها با بازده‌های آتی سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های تجربی حسابداری، سال هشتم، شماره ۳۰، ۱-۲۰.
- آقای، محمد علی؛ نیکزاد قادیکلانی، مهدیس و احمدیان، وحید. (۱۳۹۴). بررسی میزان اطمینان سرمایه‌گذاران بورس اوراق بهادار تهران نسبت به پایداری اقلام تعهدی سود. مدیریت دارایی و تامین مالی، دوره ۴، شماره ۳، ۱۵-۳۰.
- آقای، محمد علی و حسن‌زاده، بهروز. (۱۳۹۷). مقایسه‌پذیری حسابداری و تاثیر آن بر کارایی سرمایه‌گذاری. دانش حسابداری، دوره ۹، شماره ۲، ۷-۳۴.
- ایمنی، محسن. رهنمای رودپشتی، فریدون و بنی مهد، بهمن. (۱۳۹۸). رابطه دستکاری فعالیت‌های واقعی و مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی با استفاده از رویکرد سیستم معادلات بازگشتی. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال هشتم، شماره ۲۹، ۱-۱۴.
- بیات، مرتضی؛ زلّی، حسن و میرحسینی، ایرج. (۱۳۹۴). بررسی تاثیر پایداری سود بر ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۲، شماره یک، ۴۱-۵۸.
- رحمانی، علی و قشقایی، فاطمه. (۱۳۹۶). رابطه قابلیت مقایسه حسابداری با مدیریت سود واقعی و تعهدی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۴، شماره ۴، ۵۲۷-۵۵۰.
- رحیمی دستجردی، محسن؛ خدای‌پور، احمد و بهار مقدم، بهار. (۱۳۹۵). بررسی قیمت‌گذاری اقلام عادی و غیرعادی اجزای نقدی و تعهدی سود. حسابداری مالی، سال هشتم، شماره ۳۱، ۱۳۳-۱۶۱.
- رشیدی باغی، محسن. (۱۳۹۸). نقش کیفیت گزارشگری مالی در تغییر اعتماد به نفس بیش از اندازه مدیران و حق‌الزحمه حسابرسی. دانش حسابرسی، دوره ۱۹، شماره ۷۵، ۲۲۹-۲۵۱.

دستگیر، محسن؛ حیدری، سمانه و ترکی، لیلا. (۱۳۹۳). بررسی پایداری جزء نقدی نسبت به جزء تعهدی سود و نقش ویژگی‌های شرکت بر ناهنجاری اقلام تعهدی در صنایع فلزات اساسی. پژوهش‌های حسابداری مالی، سال ششم، شماره چهارم، ۱-۲۲.

خدادای، ولی؛ قربانی، رامین؛ حاجی زاده، سعید و حیدری مقدم، پیمان. (۱۳۹۱). بررسی پایداری اجزای نقدی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابداری، دوره ۳، شماره ۹، ۷۹-۹۹.

شکری دوغ‌آبادی، محمدی و مرادی، مهدی. (۱۳۹۸). بررسی رابطه بین قابلیت مقایسه حسابداری و مدیریت سود. پیشرفت‌های حسابداری، دوره ۱۱، شماره یک، ۱۶۵-۱۹۳.

سرهنگی و فراهانی (۱۳۹۳). بررسی تاثیر ساختار مالکیت بر پایداری سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۲۴، ۱۱۸-۱۳۴.

موسوی شیر، سید محمود؛ فدائی، مرتضی؛ مفتونیان، محسن و بابائی کلاریجانی، مائده. (۱۳۹۵). بررسی پایداری جزء نقدی نسبت به جزء تعهدی سود و شناسایی سهام بیش - کم ارزش‌گذاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. اقتصاد مالی، سال دهم، شماره ۳۷، ۷۱-۹۱.

Ali, A., Hwang, L., & Trombley, M. (2000). Accruals and future stock returns: Tests of the naïve investor hypothesis. *Journal of Accounting, Auditing and Finance*, 161-181.

Baginski, S., & Hassell, J. (1997). Determinants of management forecast precision. *The Accounting Review*, 72, 303-312.

Ball, R. (2013). Accounting informs investors and earningsmanagement is rife: Two questionable beliefs. *Accounting Horizons*, 27(4), 847-853.

Barth, M., Landsman, W., Lang, M., & Williams, C. (2012). Are IFRS-based and US GAAPbased accounting amounts comparable? *Journal of Accounting and Economics*, 54, 68-93.

Beatty, A., Liao, S., & Yu, J. J. (2013). The spillover effect of fraudulent financial reporting on peer firms' investments. *Journal of Accounting and Economics*, 55, 183-205.

Chen, Anthony & Gong, James Jianxin. (2019). Accounting comparability, financial reporting quality, and the pricing of accruals. *Advances in Accounting* 45 (2019) 100415.1-16.

Chen, C., Collins, D., Kravet, T., & Mergenthaler, R. (2014). Financial statement comparability and the efficiency of acquisition decisions. (Working Paper).

Choi, J., Choi, S., Myers, L., & Ziebart, D. (2014). Financial statement comparability and the ability of current stock returns to reflect the information in future earnings. (Working Paper).

Choi, J., Myers, L., Zang, Y., & Ziebart, D. (2010). The roles that forecast surprise and forecast error play in determining management forecast precision. *Accounting Horizons*, 24(2), 165-188.

Choi, S., & Salamon, G. (1989). *Advances in Quantitative Analysis of Finance and Accounting* 3. (pp. 85-110), 85-110.

De Franco, G., Kothari, S. P., & Verdi, R. (2011). The benefits of financial statement comparability. *Journal of Accounting Research*, 49(4), 895-931.

- Dechow, P., & Dichev, I. (2002). The quality of accruals and earnings: The role of accrual estimation errors. *The Accounting Review*, 77, 35–59.
- Dechow, P., Ge, W., & Schrand, C. (2010). Understanding financial reporting quality: A review of the proxies, their determinants, and their consequences. *Journal of Accounting and Economics*, 50(2–3), 344–401.
- Durnev, A., & Mangen, C. (2009). Corporate investments: Learnings from restatements. *Journal of Accounting Research*, 47(3), 679–720.
- Financial Accounting Standards Board (FASB) (1980). *Qualitative Characteristics of Accounting Information*. Norwalk, CT: Statement of Financial Accounting Concepts No. 2 Available at <http://www.fasb.org/pdf/con2.pdf>.
- Financial Accounting Standards Board (FASB) (2010). *Statement of financial accounting concepts no. 8. Conceptual framework for financial reporting*.
- Francis, J., Huang, S., & Khurana, I. (2015). The role of similar accounting standards in cross-border mergers and acquisitions. *Contemporary Accounting Research*, 33(3), 1298–1330.
- Francis, J., Lafond, R., Olsson, P., & Schipper, K. (2005). The market pricing of accruals quality. *Journal of Accounting and Economics*, 39, 295–327.
- Ge, W., Matsumoto, D., & Zhang, J. (2011). Do CFOs have style? An empirical investigation of the effect of individual CFOs on accounting practices. *Contemporary Accounting Research*, 28(4), 1141–1179.
- Gong, G., Li, L. Y., & Zhou, L. (2013). Earnings non-synchronicity and voluntary disclosure. *Contemporary Accounting Research*, 30(4), 1560–1589.
- Kim, S., Kraft, P., & Ryan, S. (2013). Financial statement comparability and credit risk. *Review of Accounting Studies*, 18, 783–823.
- Maiga, A. S., & Jacobs, F. A. (2006). Assessing the impact of benchmarking antecedents on quality improvement and its financial consequences. *Journal of Management Accounting Research*, 18, 97–123.
- Palmrose, Z., & Scholz, S. (2004). The circumstances and legal consequences of non-GAAP reporting: Evidence from restatements. *Contemporary Accounting Research*, 21, 139–180.
- Perotti, P., & Wagenhofer, A. (2014). Earnings quality measures and excess returns. *Journal of Business Finance & Accounting*, 41(5), 545–571.
- Plumlee, M., & Yohn, T. (2010). An analysis of the underlying causes attributed to restatements. *The Accounting Review*, 24, 41–64.
- Sloan, R. (1996). Do stock prices fully reflect information in accruals and cash flows about future earnings? *The Accounting Review*, 71(July), 289–315.
- Sohn, B. C. (2016). The effect of accounting comparability on the accrual-based and real earnings management. *Journal of Accounting and Public Policy*, 35, 513–539.
- Srivastava, A. (2014). Why have measures of financial reporting quality changed over time? *Journal of Accounting and Economics*, 57, 196–217.
- Subramanyam, K. (1996). The pricing of discretionary accruals. *Journal of Accounting and Economics*, 22(1–3), 249–281.

- Teoh, S., & Wong, T. (1993). Perceived auditor quality and the earnings response coefficient. *The Accounting Review*, 68(2), 346–366.
- Watts, R., & Zimmerman, J. (1986). *Positive accounting theory*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- Xie, H. (2001). The mispricing of abnormal accruals. *The Accounting Review*, 76(3), 357–373.